

## مناقشات منطقه‌ای: چالش همکاری آمریکا - روسیه

### Regional Conflicts: The Challenge to US- Russian Co-operation

جیمز گودبی James Goodby استکهلم: مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (سیپری)<sup>۱</sup> انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۵، ۲۵۱ صفحه.

کتاب مناقشات منطقه‌ای: چالش همکاری آمریکا - روسیه از انتشارات سیپری دانشگاه آکسفورد توسط جیمز گودبی<sup>۲</sup> گردآوری شده است. این کتاب حاوی ۲۵۱ صفحه و مشتمل بر ۴ بخش است. در بخش اول نکات مقدماتی حاوی تزه‌های این پروژه مطالعاتی و ساختار این مطالعه توسط جیمز گودبی ذکر شده است.

در بخش دوم، تحت عنوان دیپلماسی بازدارنده در عصر تکنولوژی عالی، فیل ویلیامز<sup>۳</sup> به بحث پتانسیل همکاری امنیتی آمریکا - روسیه در جهان در حال توسعه می‌پردازد. این بحث حاوی شکل‌های همکاری، همکاری ابرقدرتها از دیدگاه تاریخی، مناقشات منطقه‌ای پس از جنگ سرد، گسترش هسته‌ای از ممانعت تا مدیریت و مشاهدات پایانی می‌باشد.

در فصل سوم از دومین بخش سرگئی روگوف<sup>۴</sup> به عناصر سیستم امنیتی شمال - جنوب اشاره می‌کند. نتایج احتمالی خاتمه جنگ سرد برای جهان در حال توسعه، اهداف رژیم امنیتی شمال - جنوب، اقداماتی برای کاهش تنش‌های نظامی و ایجاد امنیت و اطمینان، عناصر سیستم امنیتی شمال - جنوب و نتیجه‌گیری نهایی در این قسمت توسط وی به تفصیل بیان می‌شود.

فصل چهارم از سوی جیمز مکینتاش<sup>۵</sup> به ممانعت از ارائه تکنولوژی‌های نظامی برهم‌زننده ثبات از دیدگاه ایجاد اطمینان اختصاص می‌یابد. او با ذکر مقدمه و زمینه‌ای مطالعاتی، بحث کنترل تسلیحاتی و مناقشات منطقه‌ای را مطرح می‌کند و صحنه کنترل تسلیحاتی را با جزئیات بیشتر توضیح می‌دهد. همچنین مسئله ثبات و تغییر کیفی را نیز با نگاهی دقیق‌تر مشاهده می‌کند و سپس به بررسی برقراری ارتباط میان ایجاد اطمینان و تکنولوژی تحدید و نیز ماهیت طبیعی ایجاد اطمینان می‌پردازد.

مکینتاش در این قسمت مطالب زیر را در جداولی ارائه می‌کند:

۱. مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (سیپری) Stockholm International Peace Research Institute

(SIPRI) مؤسسه‌ای مستقل و بین‌المللی برای پژوهش و تحقیق در مورد مسائل صلح و مناقشات و بویژه مسائل مربوط به کنترل تسلیحات و خلع سلاح می‌باشد. این مؤسسه در ۱۹۶۶ به یادبود صلح پایدار صدوپنجاه‌ساله سوئد تأسیس شد. هیأت رئیسه و کارکنان آن از ملیتهای مختلف بوده و توسط پارلمان سوئد حمایت و تأمین می‌شوند. این مؤسسه همچنین به‌عنوان یک هیأت بین‌المللی مشاوره دارای یک کمیته مشورتی می‌باشد.

2. James E. Goodby

3. Phil Williams

4. Sergey Rogov

5. James Macintosh

جدول ۱-۴ تأثیر منظم تغییرات در توانایی نظامی متعارف حاصل از ارائه یا توسعه یک تکنولوژی نظامی مرتبط بر سطوح فعلی ثبات؛

جدول ۲-۴ اقدامات ایجاد اطمینان و امنیت که تاکنون مطرح شده است.

گرانگر موزگان و میشل والرستاین<sup>۱</sup> فصل پنجم را به کنترل نظامی شدن جهان در حال توسعه با تکنولوژی عالی اختصاص دادند. در این فصل علاوه بر مقدمه تأثیرات کاهش بودجه دفاعی و افزایش هزینه‌ها، استراتژی‌های تحدید نظامی و مسائل غامض و پیچیده اخلاقی مورد بحث قرار گرفته است. عنوان بخش سوم اختلاف و تضاد منافع در برنامه‌های همکاری امنیتی آمریکا - روسیه می‌باشد. فصل ششم از این کتاب، اولین قسمت از بخش سوم را شامل می‌شود که به بحث همکاری جهانی و مناقشه منطقه‌ای و مشکلات هماهنگی برنامه‌های امنیتی آمریکا و روسیه می‌پردازد. راسل لی موسی<sup>۲</sup> ضمن مقدمه‌ای به مطالب زیر اشاره می‌کند:

تردیدهایی در مورد سیاست خارجی، افغانستان و جنگ خلیج فارس: مسئله تفاوت مداخله و یا همکاری شوروی، کاهش منافع روسیه در جهان در حال توسعه، مخاطرات گسترش تسلیحاتی، مشکلات حفظ صلح، یک استراتژی سیاسی برای واشنگتن و سخن آخر.

فصل هفتم را جان مارسکا<sup>۳</sup> با عنوان زیر آغاز می‌کند:

- اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به عنوان یک نظام امپریالیستی؛

- مبارزه برای خاتمه حاکمیت استعمار؛

- نگرشی به آینده؛

- نیات و مقاصد روسیه؛

- واکنش جامعه بین‌الملل.

مداخله در نظم نوین جهانی و استفاده از زور آمریکا در آمریکای لاتین و خلیج فارس عنوان فصل هشتم است که توسط ویلیام نیومن<sup>۴</sup> نوشته شده است. مباحث این فصل شامل مقدمه، چارچوب استراتژیک تصمیم‌گیری، آمریکای لاتین، خلیج فارس و مفاهیم کلی می‌باشد.

فصل نهم با عنوان مناقشه در اروپا و مسئله یوگسلاوی توسط جیمز گودبی به نگرارش درآمده است. مطالب این بحث علاوه بر مقدمه شامل صحنه‌آرایی برای یک تراژدی و میانجیگری اروپا و سازمان ملل در مناقشه صربها و کروآتها، نگرشهای توافق سیاسی و هشدارهای تجربه یوگسلاوی است. همچنین در جدولی نگرشهای احتمالی رویارویی با گروه‌های قومی نشان داده شده است.

1. Granger Morgan and Mitchel B. Wallerstein

2. Russell Leigh Moses

3. Jahn J. Maresca

4. William W. Newann

آخرین بخش از این کتاب به مسئله سازمانهای امنیتی بین‌المللی به‌عنوان ابزارهایی برای همکاری قدرت بزرگ می‌پردازد. فصل دهم مندرج در این بخش که توسط جیمز گودبی و دانیل کنور<sup>۱</sup> نوشته شده است بحث کاربرد سازمانهای بین‌المللی در اقدامات جمعی در مناقشات منطقه‌ای را مطرح می‌کند. این فصل نیز مانند فصول قبلی دارای مقدمه می‌باشد و پس از آن به مطالب زیر پرداخته شده است:

- استفاده از زور در اقدامات جمعی؛

- رهنمودهایی برای مداخله جمعی؛

- سازمانهای بین‌المللی و فواید آنها؛

- زمان نهادینه کردن.

ضمایم انتهایی کتاب شامل متممی بر برنامه صلح و آیین‌نامه رفتاری برای جنبه‌های سیاسی - نظامی امنیت است.

مسائل امنیتی منطقه‌ای، به‌خاتمه مشارکت آمریکا - روسیه در مسائل امنیتی پیش‌از آنکه این مشارکت به‌طور کامل تحقق یابد، تهدید می‌کند. تناقضات اندیشه‌های امنیت جمعی و حوزه‌های منافع تا حدودی موجب تنشهایی در این مشارکت شده‌اند. امروزه سلاحهای انهدام جمعی قابل دسترس‌تر هستند و لذا مناقشات منطقه‌ای بالقوه بیش‌از پیش خطرناک‌اند. اما مشارکت نیز خود در طرح استراتژی‌های مشترک برای رویارویی با تهدید مرگبار گسترش هسته‌ای، با مشکلاتی مواجه شده است. چنانچه مشارکت این دو کشور موفق باشد، آنها باید برای ایجاد یک نظم بین‌المللی قابل پیش‌بینی‌تری با هم همکاری کنند. این امر باید مبتنی بر تعریف بهتری از اموری باشد که روسیه و آمریکا از شکلهای مختلف مناقشات منطقه‌ای دارند. هنگامی که سلاحهای انهدام جمعی مطرح باشند و یا در حالی که یکی از طرفین دارای روابط خاص استراتژیک اقتصادی و یا تاریخی با طرفین منازعه باشد، منافع روسیه و آمریکا با منازعات منطقه‌ای تداخل می‌یابد. البته مناقشات بسیاری وجود دارند که روسیه و آمریکا هیچ‌یک مستقیماً متأثر از آن نیستند. درک بهتر و دقیق‌تر از چگونگی پاسخ به مناقشات منطقه‌ای به حل مشکل سوءتفاهم در مورد منافع ملی کمک می‌کند. اما مشکلات اجتناب‌ناپذیر ارتباطات هنگامی که نیروهای نظامی این دو کشور ایفای نقش می‌کنند همچنان مسئله مشارکت را پیچیده می‌سازد. عامل دیگر یعنی سستی و ضعف سازمانهای امنیتی بین‌المللی نیز مشکل و چالشی برای مشارکت روسیه و آمریکا است.

سازمانهای منطقه‌ای که می‌توانند به حل این منازعات کمک کنند اغلب فاقد آمادگی لازم می‌باشند. سازمان ملل تنها سازمان قدرتمندی است که با مسائل جنگ و صلح ارتباط دارد اما آن هم به نقطه شکست رسیده است. تقویت سازمانهای منطقه‌ای کاری ضروری اما ادامه‌دار و بلندمدت است و چنانچه سازمان

ملل بخواهد در مقابل چالشهای همکاری آمریکا و روسیه ایستادگی کند، این همکاری باید در قالب سازمان ملل حفظ شود.

این کتاب متعاقب چاپ کتابی به نام «مشارکت محدود، ساخت جامعه امنیتی روسیه - آمریکا» منتشر شد که در آن ملاحظات دانشمندان آمریکایی و روسی ارائه گردید و موضوع آن چشم‌اندازهای توسعه فرمولی مشارکتی برای همکاری روسیه و آمریکا در زمینه امنیت در جهان پس از جنگ سرد بود. در حالی که کتاب جدید بر مسئله همکاری روسیه و آمریکا در حل مناقشات متمرکز است و عقاید آبراز شده در آن تا حدود زیادی با مباحث ویلیام پری<sup>۱</sup> وزیر دفاع آمریکا هماهنگی دارد که «مناقشات منطقه‌ای تهدیدی برای صلح جهانی است. پاسخ به خطرات تهیه‌کننده صلح جهانی نشأت گرفته از مناقشات منطقه‌ای، در چارچوب اقدامات پیش‌گیرنده است و نه سیاستهای بازدارنده‌ای که مشخصه سالهای جنگ سرد است».

به اعتقاد وی مهمترین کار کاهش خطر گسترش سلاحهای هسته‌ای، حفظ و تقویت نیروهای متحد آمریکایی تشکیل شده در دوران جنگ سرد (بویژه ناتو) و توسعه روابط با روسیه است.

در این کتاب توجه عمده به چشم‌اندازهای کنترل دیپلماسی پیش‌گیرنده آمریکا و روسیه برای حل مناقشات منطقه‌ای است. این مناقشات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) مناقشاتی که در آن از سلاحهای انهدام جمعی استفاده می‌شود؛

ب) مناقشاتی که آمریکا و روسیه و یا یکی از آنها از نقطه‌نظر منافع استراتژیک، تاریخی یا اقتصادی در آن درگیر هستند؛

ج) مناقشاتی که در آن آمریکا و روسیه هیچ منافع ندارند و تنها ملاحظات بشردوستانه مطرح است.

جیمز گودبی در این کتاب چنین تصور می‌کند که آمریکا و روسیه هر دو در مورد لزوم مقابله با گسترش سلاحهای هسته‌ای، یافتن راه‌حلهایی برای مناقشات منطقه‌ای که دیگر آنها را تهدیدی برای نظم بین‌المللی و یا منافع طرف دیگر نسازد و افزایش توانایی سازمانهای بین‌المللی برای ممانعت و خاتمه مناقشات منطقه‌ای و تأمین کمکهای بشردوستانه به توافق رسیده‌اند. به اعتقاد وی مسئله همکاری آمریکا و روسیه به این حقیقت بستگی ندارد که روسیه دارای توانایی‌های هسته‌ای استراتژیک می‌باشد. روسیه علی‌رغم ضعف اقتصادی و سیاسی و درگیر بودن در مسائل داخلی، نسبت به مسائل امنیتی بین‌المللی، بویژه در آنجا که بر اروپای مرکزی و شرقی و خاورمیانه تأثیر می‌گذارد چندان بی‌تفاوت نیست. گودبی اظهار می‌دارد دخالت روسیه در این همکاری اهمیت به‌سزایی برای رسیدن به یک توافق عام برای سیاست

گسترده‌ای جهت حل مناقشات منطقه‌ای دارد. چنانچه روسیه احساس کند که طرد شده است می‌تواند به‌عنوان یک نیروی مخرب عمل کند.

توجه بسیاری به مسئله حل مناقشات منطقه‌ای و تجارب و درسهای حاصل از همکاری آمریکا و شوروی طی جنگ سرد و پس از آن و گسترش کمک اروپا به کنترل و تحدید تسلیحاتی، اقدامات جلب اطمینان و کنترل جریان تکنولوژی‌های دو منظوره مبذول شده است. همچنین این مسئله مورد ملاحظه قرار گرفته است که مسائل عمده همکاری آمریکا و روسیه در دیپلماسی بازدارنده باید همان عدم گسترش تکنولوژی‌های نوین نظامی و عملیات چندجانبه صلح باشد. چنین همکاری، احتمالات و محدودیتهای آن ناشناخته هستند و این نه تنها به دلیل شکل‌گیری شکل نهایی روابط آمریکا و روسیه بلکه به دلیل سوالات عمده‌ای است که در مورد سیاست خارجی روسیه مطرح است، مثل این سؤال که برای روسیه «خارج نزدیک» در کجا خاتمه می‌یابد؟ به گفته راسل لی موسی<sup>۱</sup> در این کتاب عملیات چندجانبه صلح بویژه در مناطقی که روسیه آن را «خارج نزدیک» می‌نامد درپیش است. از سوی دیگر آمریکا در برتری‌جویی نسبت به روسیه استفاده‌های مکرری از «اهرم اقتصادی» به عمل می‌آورد که در حقیقت همان بحث کمک‌رسانی می‌باشد. راسل لی موسی به‌طور کلی از استراتژی آمریکا در قبال روسیه که اساساً مرتبط با ثبات اقتصادی و سیاسی است خوشنود نیست؛ اما سیاست آن نسبت به «خارج نزدیک» را به‌طور ضمنی می‌پذیرد. به اعتقاد وی ارتباط با روسیه به‌عنوان شریک عمده، در ارتباط با شوروی سابق و در کوتاه‌مدت و میان‌مدت معنا می‌گیرد. اما در بلندمدت و در نتیجه قدرت نظامی روبه‌رشد چین و تغییرات در حوزه اقیانوس آرام، از نفوذ روسیه کاسته می‌شود.

در این کتاب تحلیل مناقشات منطقه‌ای در دهه هشتاد و نود (جنگ افغانستان، حمله به گرانادا، جنگ خلیج فارس و جنگ در یوگسلاوی سابق) و بررسی دیپلماسی بازدارنده سازمان بین‌المللی توجه خواننده را به مسئله تفاهم و همکاری آمریکا - روسیه در بازدارندگی و حل مناقشات منطقه‌ای براساس سیاستهای قدرت بزرگ سوق می‌دهد.

به اعتقاد ویلیام نیومن<sup>۲</sup> در این کتاب تفاوت میان وضعیت فعلی و دوران جنگ سرد در منافع مشترک است و اکنون این تفاوت نسبت به گذشته بیشتر شده است. هنگامی که منافع با هم تقارن و نزدیکی دارند چندجانبه‌گرایی امکان‌پذیر است اما زمانی که منافع در تضاد هستند، اقدامات یکجانبه حکمفرما است. به اعتقاد نیومن متوازن کردن این منافع را می‌توان به عنوان بازگشت به «هماهنگی قدرتها در مقیاس جهانی» با مشارکت سازمان ملل تلقی کرد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی